

بررسی تاریخی و تبیین جایگاه حرفه‌ای و نقش معماران سنتی در فرآیند تحولات معماری و مرمت با تکیه بر منابع مکتوب*

رضا رحیم‌نیا** علی زمانی‌فرد*** مهرا ن قرائتی****

چکیده

بر اساس آثار و منابع موجود درباره معماری ایرانی، به نظر می‌رسد بخش زیادی از مطالعات تاریخ معماری ایران متمرکز بر اثر معماری است و توجه به معمار آثار کمتر دیده می‌شود. همچنین مطالعه سرگذشت این معماری نشان می‌دهد که در کنار شرایط جامعه و حاکمیت، بنایان و معماران نیز نقش قابل تأملی در تداوم و تکامل این معماری داشته و دارند. از این روی در راستای کمک به شناخت و ارتقاء چنین ظرفیت و توانایی، بررسی زمینه‌های به حاشیه‌رفتن معماران سنتی با نگاهی آسیب شناسانه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. لذا این مقاله با استفاده از روش‌های توصیفی تاریخی و مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی آنچه می‌پردازد که باعث تغییر نقش معماران سنتی در جامعه معماری و مرمت شده است. در نهایت نیز به جمع‌بندی این عوامل پرداخته تا زمینه روشنی از دلایل و شرایط رخ داده را بازگو نماید. به‌طور کلی این پژوهش در راستای پاسخ به این پرسش است که «با توجه به تغییرات نظام و ساختار اجتماعی، به‌عنوان بخشی از تاریخ معماری ایران، پس از ورود آموزش جدید معماری، تعامل معماران سنتی با این ساختار جدید چگونه بوده است؟». از این رو با جستجو در منابع مکتوب و در قالب یک روش توصیفی تاریخی این بررسی‌ها در قالب سه حوزه فعالیتی نظارت، طراحی و ساخت انجام پذیرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد به دنبال تغییرات شرایط جامعه و نفوذ معماری مدرن، حوزه فعالیت معماران سنتی در معماری دچار رکود و تقریباً در طراحی و نظارت معماری به‌مرور جایگاه خود را از دست داده‌اند ولی در حفاظت از معماری تجربه آنها در معماری گذشته به‌عنوان نقطه مثبتی تلقی و تلاش شده است از آن بهره گرفته شود. در نهایت با اینکه در حال حاضر در حوزه معماری، بیشتر بنایان سنتی شناخته می‌شوند (فقط فعالیت ساختن)؛ ولی در حوزه حفاظت هنوز با نام معماران سنتی نقشی هر چند محدود در طراحی نیز دارند (فعالیت تعمیر و طراحی).

کلیدواژه‌ها: تاریخ معماری ایران، معمار ایرانی، معمار باشی، مباشر، بنا (پیشه‌ور)

* مقاله حاضر برگرفته از مطالعات پیشینه پژوهش مربوط به رساله دکترای رضا رحیم‌نیا در رشته مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی با عنوان «دانش معماران بومی در حفاظت از معماری؛ زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر مداخله در معماری خاکی از منظر معماران بومی در جنوب خراسان» است که در دانشگاه هنر اصفهان، تحت راهنمایی دکتر مهرا ن قرائتی و دکتر علی زمانی‌فرد بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ انجام شده است.

** پژوهشگر دکتری مرمت ابنیه، دانشگاه هنر اصفهان و مدرس دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). قزوین. (نویسنده مسئول)

rezarahimnia@gmail.com

zamanifard@art.ac.com

mehrangharaati@gmail.com

*** استادیار، گروه مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر، تهران.

**** استادیار، گروه معماری، دانشگاه هنر اصفهان.

مقدمه

بررسی‌های انجام‌شده در حوزه تاریخ معماری ایرانی تاکنون معرف آن بوده که این معماری در دوران حیات خود شاهد تنوع تدریجی فضایی، شکلی، ساختمانی و عملکردی همراه با تداوم بوده‌است. چنین همراهی و تداومی علاوه بر تأثیرپذیری از بستر و شرایط حکومت و جامعه، منعکس‌کننده نقش ابزارهای در دسترس و توانایی‌های موجود در حوزه دانش و فنون ساختمانی است؛ که این بخش بیش از هر چیز به نقش سازندگان، بنیان، معماران، بنایان و یا حتی مداخله‌گران آثار در دوره‌های بعد بازمی‌گردد. به‌نظر می‌رسد نقشی که معماران و بنایان به‌عنوان طراحان، ناظران و مجریان و حتی مداخله‌گران این ساختارهای معماری ایفا کرده‌اند تا حدی کلیدی و مهم است که مطالعه و بررسی اثرگذاری چنین نقشی اهمیت بسیاری دارد. همان‌گونه که اسناد و کتیبه‌های موجود در برخی از بناهای تاریخی نیز به خوبی نشان می‌دهند، پیشینه حفاظت و مرمت همزاد و هم‌پایه با معماری است و حفظ و تعمیر بناها جزئی از تلاش‌های مردمان پیش از دوران مدرن بوده است.^۱

در عین حال با بررسی تاریخی آموزش و مطالعه نظرات پژوهشگران مرتبط، این نکته به‌نظر می‌آید که آموزش معماری و مرمت همچون سایر حرفه‌ها، سینه‌به‌سینه و بر اساس نظام استادشاگردی صورت می‌گرفته. در واقع مرمت‌گران قدیم بناهای تاریخی معمارانی ماهر بوده‌اند که خود نیز از این نظام سنتی آموزش، کسب دانش و تجربه کرده‌اند. حتی تا به روزگار معاصر نیز بخش بزرگی از تعمیر بناهای تاریخی بر عهده همین معماران سنتی بوده و در حال حاضر نیز بر عهده بازماندگان آن‌هاست^۲ (ندیمی، ۱۳۷۰؛ ۱۳۸۵؛ حجت، ۱۳۹۱؛ اولیا، ۱۳۸۱؛ مفید و همکاران، ۱۳۸۵). از طرفی دیگر، به‌نظر می‌رسد فرایند حفاظت و مرمت در نزد معماران سنتی و موقعیت و نوع فعالیت‌های این گروه، در کنار رخدادهای جامعه با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو بوده‌است. معماران گذشته، نقش بسزایی در انجام تعمیر آثار تاریخی داشته‌اند و همان‌گونه که کیانی (۱۳۸۶: ۲۱۳) نیز اشاره می‌کند به‌نظر می‌رسد تا قبل از دوره قاجار تمام توجه، چه در ساخت و چه تعمیر به معماران سنتی بوده‌است (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۰۲). علی‌رغم این موضوع به‌مرور و به دلایل مختلف علاوه بر کم‌رنگ شدن نظام سنتی آموزش معماری، مهارت و توانایی معماران سنتی در مرمت و تعمیر بناهای تاریخی کمتر مورد توجه قرار گرفت، در حالی که تا پیش از این مهم شمرده می‌شد (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). یکی از این دلایل می‌تواند جای‌گیری

مدیریت جدید در اجرا و نظارت بر معماری جدید و البته در کنار آن مرمت و حفاظت از بناهای تاریخی باشد^۳ که به تدریج با ورود نظام نوین معماری تغییر کرد. ایجاد مؤسسات تمدنی و فضاهای عملکردی جدید، همانند دبستان، هنرستان، دانشگاه، بیمارستان، کارخانه، سینما، بانک، شهرداری، پاسگاه و ...، مصالح معماری و ظهور معماری جدید در ایران (مدرنیته در معماری) نیز از عوامل مؤثر بر تغییر حیطه فعالیت معماران سنتی و جایگزینی معماران جدید هستند (همان: ۲۱۶) که می‌بایست در این زمینه مورد مذاقه قرار گیرند. در این راستا رویدادهایی همچون افزایش توجه به غرب، ظهور مدرنیته و آغاز معماری مدرن، پیدایش آموزش جدید دانشگاهی، رونق فعالیت‌های فرهنگی و موضوعاتی از این دست به‌نظر می‌رسد بر حیطه فعالیت معماران سنتی تأثیر داشته و موجب تغییراتی در آن شده‌است که آنها نیز درخور بررسی هستند.

در این مقاله بررسی نقش و فعالیت‌های معماران سنتی در دوران پیش و پس از ورود آموزش جدید معماری مورد دقت نظر قرار خواهد گرفت. هدف اصلی مقاله، تبیین جایگاه حرفه‌ای معماران سنتی در ایران بوده که به مرور زمان دست‌خوش تغییر شده‌است. شناسایی این عوامل در جهت استفاده از قابلیت‌های معماران برای امروز و همچنین آسیب‌شناسی رویدادهای گذشته، برای جلوگیری از تهدیدهای موجود، می‌تواند مورد توجه باشد. در این راستا این مقاله تغییر و تحولات فعالیت‌های معماران سنتی در محدوده جغرافیایی ایران و در سه دوره زمانی شاخص معماری (پیش از افزایش ارتباط با اروپا، افزایش ارتباط ایران و اروپا و پس از مدرن) را با شناخت موقعیت جامعه در این سه دوره و در نتیجه آن عکس‌العمل معماران سنتی در برابر آنها، بررسی خواهد کرد. در همین زمینه در این نوشتار چارچوب کلی پژوهش در راستای پاسخگویی به سؤالات زیر سازمان‌یافته است:

- با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، به‌عنوان مهم‌ترین زمینه‌ساز تحولات در معماری ایران و ورود نظام جدید آموزش معماری چه تغییر و تحولاتی در فعالیت معماران به وجود آمده‌است؟

- حوزه فعالیت معماران سنتی با توجه به گذر زمان و تغییرات جامعه (گذر از سنت و ورود به دنیای جدید) چه تغییراتی را پذیرفته و به چه سمت و سویی هدایت شده‌است؟

پیشینه توجه به معماران سنتی

بررسی پیشینه توجه به معماران سنتی و رویکردهای متفاوت پژوهشگران نسبت به آنها، در این بخش به‌عنوان

فرهنگی^{۱۰} نشان می‌دهد، به‌عنوان بخشی در مقالات آن‌ها جای دارند؛ گروه سوم توجه به دانش فنی معماران است که شاید بتوان از آن تحت عنوان درس‌آموزی از تجربیات و نکات اجرایی و فنی موجود در آنها (دانش عملی) نیز نام برد. شاید بتوان ترویج هر چه بیشتر تحقیقات مرتبط با این گروه را پیرنیا دانست که با توجه به دانسته‌هایی که از معماران فراگرفته بود و اذعان به اینکه منابعی بهتر از آنها نیست، آنچه آموخته بود را تدریس می‌کرد^{۱۱} (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۴۰)؛ گروه چهارم که مطالعات کمتری را به خود اختصاص داده است توجه به دانش نظری و معنوی معماران سنتی است که جنبه‌های اخلاقی، ایدئولوژیکی و همچنین آموزش‌های استادشاگردی را مورد توجه قرار داده‌اند. این برخورد در تعدادی از تألیفات محققینی مثل ندیمی (۱۳۸۵) و حجت (۱۳۹۱) به چشم می‌خورد؛ اما آنچه در این مقاله آمده نگاهی از جنبه جایگاه حرفه‌ای معماران سنتی همراه با رویکردی تاریخی است که کمبود آن در مطالعات مرتبط با معماران دیده می‌شود.

روش پژوهش

همان‌طور که اشاره شد برخی از اسناد و متون تاریخی در کنار توصیف بناهای خصوصی و عمومی، به نام و احوال معماران آنها نیز اشاره داشته‌اند؛ بنابراین به‌منظور دستیابی به شناختی مناسب از معماران سنتی (شامل احوال و ویژگی‌های ایشان و فعالیت‌ها و جایگاه آنها در سال‌های منتهی به دوران اخیر) با جستجو در منابع مکتوب^{۱۲} و به‌عنوان بخش مکمل، انجام مطالعات میدانی با مراجعه به منابع شفاهی (بازماندگان آخرین نسل‌های معماران سنتی) مورد توجه قرار گرفته است. محور توجه در این جست‌وجوی اطلاعات، متمرکز بر حوزه فعالیت معماران سنتی و جایگاه آنها در جامعه بوده است. این بررسی‌ها در قالب سه حوزه فعالیت: نظارت؛ طراحی و ساخت انجام پذیرفته است. در نتیجه ویژگی‌های مشترک این سه حوزه فعالیت مطابقت و جنبه‌های فعالیت معمار در هر دوره تعیین شده است. در ادامه نیز نقاط اشتراک آنها با سیر تحول جامعه در کنار هم قرار گرفته است. مقاله پیش رو مطالعه‌ای کیفی و غیر تجربی است که از نظر گردآوری اطلاعات با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و از نظر هدف نیز در قالب یک پژوهش بنیادی مدنظر قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل نیز، از تحلیل منطقی بهره گرفته شده است و در کل می‌توان روش پژوهش مقاله را روشی توصیفی تاریخی در نظر گرفت.

بخش مهمی از پیشینه تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. معماران سنتی به‌عنوان اصلی‌ترین اقدام‌کنندگان برای ساخت و تعمیر آثار معماری، موضوعی شناخته‌شده و درخور برای محققین هستند و تا کنون نیز پژوهش‌های با تنوع رویکردی در این زمینه انجام شده است. این رویکردها قابلیت دسته‌بندی به چند گروه عمده را دارند که در اینجا مجال پرداختن به همه آنها وجود ندارد^{۱۳} و متناسب با این نوشتار، به مرور چند رویکرد اکتفا می‌شود.

- ثبت کردن نام‌ها (مستندسازی)

ثبت و مستند کردن نام معماران، بنایان و آفرینندگان آثار معماری که از مرسوم‌ترین روش‌های برخورد با معماران گذشته است به نحوی شایع‌ترین رویکردها با آنها را نیز ایجاد نموده است. اگرچه نام تمام معماران با این رویکرد ثبت و ضبط نشده‌اند؛ ولی بخشی از معماران بناهای تاریخی یا به واسطه کتیبه‌های موجود در آنها، یا نوشته، متون و اسناد تاریخی و یا توسط محققین متأخر با توجه به همین دو منبع (کتیبه‌ها، منابع و اسناد تاریخی) ثبت شده و حداقل نام آنها در منابع گوناگون آمده است.^{۱۴}

- تشریح فعالیت ساختمانی یا شرایط صنفی

شرح فعالیت ساختمانی معماران و تشریح شرایط صنفی آنها، چه از رویکرد تاریخ اجتماعی و چه تاریخ معماری گروه دیگری از مطالعات مرتبط به معمار گذشته است. این نگرش که با هدف مستندسازی و ثبت رویدادهای قدیم صورت پذیرفته، اغلب در متون گذشته به چشم می‌خورند. متون تاریخی گذشته^{۱۵} آثار نظم و نثر فارسی^{۱۶} و سفرنامه‌ها^{۱۷} بخش مهمی از این منابع هستند.

- مستندسازی تجربیات و دانش فنی نظری

با توجه به تفاوت نگاه‌ها، برای آنچه امروزه در رویکردها نسبت به معمار گذشته مشاهده می‌شود می‌توان دسته‌بندی متنوعی را در نظر گرفت. مستندسازی تجربیات معماران گذشته، به‌عنوان حفظ دانشی که به مرور فراموش می‌شود، در کنار معرفی و پرداختن به تجربیات آنها دو گروه اصلی فعالیت‌های متأخر را تشکیل می‌دهند که البته شاید بتوانند دسته‌بندی‌های دیگری را نیز بپذیرند. مطالعات متأخر انجام‌شده درباره معماران را می‌توان در چهار دسته کلی دسته‌بندی نمود: گروه اول مستندسازی تجربیات معماران که تلاش داشته، بخشی از تجربیات معماران گذشته را مستند نمایند^{۱۸}؛ گروه دوم معرفی استادکاران و معماران گذشته است که مقالات، مجلات تخصصی حوزه فرهنگ و میراث

معمار سنتی ایرانی

تعاریف و مفاهیم متفاوت مرتبط با یک واژه اگرچه به ظاهر ساده انگاشته می‌شود؛ ولی می‌تواند حوزه‌ها و جنبه‌های مختلف درگیر با آن را تشریح نماید. در اینجا برای دستیابی به تعریفی مناسب از معمار ایرانی سعی شده است تا بیشتر به این واژه پرداخته شود. معمار بر حسب مأموریت‌های مختلفی که در فضای ساخت‌وساز ایفا می‌کند، می‌تواند به‌عنوان سازنده، برپاکننده و حتی تعمیرکننده ساختارهای معماری گذشته معرفی شود. تعریف مناسبی از محدوده فعالیت‌های معمار در گذشته و تغییرات بعدی آن تا به امروز به‌عنوان یکی از مفاهیم اصلی در این مطالعه شناخته می‌شود. این واژه، علاوه بر آنکه بر پیشه یا گروه صنفی خاصی دلالت دارد، تعاریف متفاوتی با اشاره به فعالیت‌ها یا وظایف صاحب پیشه نیز دارد. همچنین اسناد و مدارک تاریخی می‌توانند در جهت فهم دقیق‌تر از جایگاه

معمار و با توجه به رویدادها و فعالیت‌های اجرایی اطلاعات و تعریف مناسبی از معمار ایرانی ارائه دهند. لذا در قالب جدول ۱ تعاریف و مفاهیم متفاوت مرتبط با معمار از سه منظر «نگاه به پیشه معماری و گروه‌های صنفی (گذشته)»، ریشه‌یابی واژه «معمار» (در زبان فارسی و انگلیسی) و مفهوم آن و «همچنین معمار در حوزه عمل (فعالیت‌ها)» ارائه شده است.

در جمع‌بندی مطالب ارائه شده می‌توان گفت: نقش‌هایی که یک معمار در فرآیند ساخت‌وساز می‌تواند ایفا نماید بسیار وابسته به همان حوزه‌های متفاوت فعالیت است که وی انجام می‌دهد. همچنین نمونه‌های اشاره شده به همراه دیگر منابع تاریخی موجود^{۲۸} که اشاراتی به حوزه فعالیت معماران دارند- نشان می‌دهد می‌توان جایگاه حرفه‌ای معماران را از گذشته تا به امروز با سه حوزه فعالیت طراحی، نظارت و ساخت مورد بررسی قرارداد. همان سه حوزه‌ای که امروزه

جدول ۱. بررسی معمار از سه جنبه متفاوت (پیشه معماری، معمار و فعالیت‌های وی) (نگارندگان)

شرح برخی از تعاریف و مفاهیم موجود	جنبه موردتوجه	منبع
<p>- در شمال آفریقا معمار را معلم، در الجزایر صاحب و در ایران و کشورهای هم‌جوار وی را «استاد»، به معنی پیشه‌ور و صنعتگر می‌نامند (افشار نادری، ۱۳۷۴: ۲۹۸).</p> <p>- مایر (Mayer 1956) معتقد است که معمار در سرزمین‌های اسلامی جز در موارد معدود یک «صنعتگر» و «پیشه‌ور» است تا یک نظریه‌پرداز.</p> <p>- معماری نوعی صنعت و پیشه، هنر و یا حرفه است (ولف، ۱۳۸۸؛ دیماند، ۱۳۸۳؛ حسن و همکاران، ۱۳۷۵: ۳۵۶-۳۵۵) و در قرون وسطی و به‌خصوص اروپا و همچنین در جهان اسلام و ایران سازنده ساختمان و طراح آن، عمدتاً پیشه‌ور بوده است. (افشار نادری، ۱۳۷۴: ۳۰۰-۲۹۴؛ قیومی بید هندی، ۱۳۸۵: ۶۷-۶۵؛ برادران خلخالی، ۱۳۹۱: ۳۴)</p> <p>- پیشه‌وران در قالب گروه‌های صنفی فعالیت می‌کنند (ریاضی، ۱۳۷۴: ۳۶۰-۳۵۶)، قیومی بید هندی (۱۳۸۵: ۷۷-۷۴) و صادقی‌بی (۱۳۸۸: ۱۳) نیز وجود این گروه‌های صنفی در معماری را تأیید می‌کنند.</p> <p>- در دوران اسلامی هر صنف برای خود شیخی داشت که وی به واسطه فراوانی تجربه و مهارت در آن علم از دیگران ممتاز بود، پس از او استاد، خلیفه، صنعتگر و کارآموز در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. شیخ مقامی بالاتر از همه داشته که از طرف اعضای صنف یا محتسب انتخاب می‌شده است^{۱۳}. استاد کسی است که توان بالقوه شاگرد را به بالفعل تبدیل می‌کند و شاید بتوان آن را معادل همان استادکار (معمار سنتی امروزی) نامید. خلیفه به معنای دستیار استادکار است و در دوران صفویه به‌عنوان شاگرد استاد بکار می‌رفته است و شاید معادلی برای بنا باشد. صنعتگر شخصی خواهان آموزش مهارت لازم است که شاید بتوان آن را معادل شاگرد نامید. (شیخلی، ۱۳۶۲: ۸۸-۸۶؛ غرابی، ۱۳۸۵: ۲۷۴-۲۷۳).</p> <p>- در هر حرفه داوطلبان از سه پایه اساسی می‌گذشتند: نخست شاگرد یا کارآموز بودند (مبتدی)؛ بعد به کسب مهارت نائل می‌آمدند (صانع) و پس از گذراندن آزمونی خاص (احتمالاً منظور این است که معمار برای سنجش میزان توانایی، بخشی از کار را به شاگرد واگذار می‌کند) به درجه استادی (معلم) می‌رسیدند (حسن و همکاران، ۱۳۷۵: ۳۵۷).</p> <p>- تشکیلات و گروه‌های صنفی که در دوران اسلامی گسترش یافته بودند با شروع حکومت قاجار و همزمان با تغییر ساختارهای اجتماعی و علمی که اتفاق افتاد^{۱۴} به تدریج رو به افول می‌نماید (ندیمی، ۱۳۸۵: ۴۳)</p>	نگاه به پیشه معماری و گروه‌های صنفی	۱

ردیف	جنبه مورد توجه	شرح برخی از تعاریف و مفاهیم موجود
۲	ریشه‌یابی واژه «معمار» و مفهوم آن	<p>- معماران سرزمین‌های اسلامی در افریقای شمالی، خاورمیانه و آسیای میانه غربی، در اصل ادامه‌دهنده کارهای «طراح‌سازنده» در اواخر دوره عهد باستان بودند. در سده‌های میانه^{۱۵} برخی از ایشان را با نام «بنا» می‌شناختند و این عنوان گویای آن بود که آنها پیشه‌ورانی استادکار بودند؛ البته برخی از معماران از حرفه‌های دیگر و برخی نیز به القاب دیگر شهرت داشتند. حرفه معماری با گذشت زمان بیش از پیش تخصصی شده و تا سده هشتم معماران را با عناوین «استاد» یا «معلم» می‌شناختند و واژه عربی (و سپس فارسی و ترکی) معمار که در معنا از همه بیشتر به آرشیتکت نزدیک است از این دوره رایج شده است. به تدریج در سده نهم صنف معماران دربار پدیدار شد و سرمعمار (معمار باشی) عهده‌دار مسئولیت‌های این صنف بود^{۱۴} (طباطبائی، ۱۳۹۱: ۶۵۲).</p> <p>- «معمار»، طراح و سازنده بنا، بتایی باتجربه که بنایی را طراحی می‌کند و سرپرستی کارگران سازنده بنا را بر عهده می‌گیرد و مباشر بتایی و دانای به علم بتایی است که به استاد بنا دستورالعمل می‌دهد. وی کسی است که در امر ساختمان اطلاعات تجربی بسیار دارد و نقشه و طرح ساختمان را تهیه می‌کند و چند بنا با مراقبت و نظارت او کار کنند؛ همچنین «معمار باشی»^{۱۷} به‌عنوان رئیس گروه معماران و رئیس صنف معماران در دوره صفویه و قاجار شناخته می‌شود (بهشتی و قیومی بید هندی، ۱۳۸۸: ۲۴۲ و ۲۴۳؛ طباطبائی، ۱۳۹۱: ۶۵۲؛ شاد و همکاران، ۱۳۳۵؛ جمال‌الدین اینجو و همکاران، ۱۳۵۱؛ داعی‌الاسلام، ۱۳۸۳).</p> <p>- معادل واژه «معمار» در زبان پهلوی «راز یا رازبگر» است (رفیعی سرشکی و همکاران ۱۳۸۲: ۴۱۲).</p> <p>- همچنین در تعریف واژه «مهراز» آورده‌اند: کسی است که توانایی شالوده ریزی مهرازی و بازرسی بر کار ساختمان‌سازی را داشته باشد و معادل آرشیتکت و همان معمار مهندس دانشگاه دیده است^{۱۸} (رفیعی سرشکی و همکاران ۱۳۸۲: ۴۱۲).</p> <p>- در کار ساختمان‌سازی چند نفر از چند رشته (صنف) با هم همکاری می‌کنند تا کار به انجام رسد که این رشته‌ها را از بالا به پایین می‌توان چنین دسته‌بندی نمود: مهراز (مهندس معمار)؛ استاد رازبگر (استاد معمار)؛ کسی که نقشه ساختمانی را پیاده می‌کند و کارگران بخش‌های ساخت‌وساز است و زیردست مهراز کار می‌کند؛ رازبگر (معمار)؛ زیردست استاد رازبگر (کسی که طرح ساختمان را می‌کشید و خود با گروه والادگران و استاد کاران و کارگران آن را می‌ساخت)؛ استاد والادگر (استاد بنا)؛ زیردست استاد رازبگر (کسی که در کار ساختمان‌سازی به سفت‌کاری و دیوار سازی می‌پردازد)؛ والادگر (بنا)؛ زیردست استاد والادگر (کسی که دیوار گلی را چینه به چینه می‌سازد)؛ کارگر (زیردست والادگر) (رفیعی سرشکی و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۱۲).</p> <p>- برخی از محققین از واژه «آرشیتکت»^{۱۹} برای معماران ایرانی، استفاده کرده‌اند. کلمه آرشیتکت از اواسط قرن ۱۶ معمول و از معادل‌هایی در زبان فرانسه، لاتین و یونانی گرفته شده است (Harper 2001). در عین حال ویتروویوس^{۲۰} سال‌ها پیش‌تر از این، بخشی از کتابش را به موضوع معمار و تعلیم معمار اختصاص داده که نشان از وجود فعالیت گروهی از مردم در ساخت بناها قبل‌تر از این تاریخ است (ویتروویوس پولیو، ۱۳۸۸: ۲۰-۱۲).</p> <p>- درباره معماران سنتی به‌نظر می‌رسد کلماتی مثل Architect^{۲۱}، Builder^{۲۲}، Mason^{۲۳} و Craftsman^{۲۴} بیشتر مورد کاربرد بوده و البته هر کدام از این کلمات خود وابسته‌هایی نیز داشته‌اند که در بخش‌های مختلف مورد توجه بوده‌اند^{۲۵}.</p> <p>- با توجه به آنچه در معنای چهار واژه فوق آمده (پانوش ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴) و همچنین با توجه به منابع خارجی که به معماران ایرانی پرداخته‌اند^{۲۶} شاید بتوان گفت معادل‌های فارسی قابل ارائه برای Architect به معنای معمار (مهراز و مهندس معمار)؛ Craftsman و Builder به معنای سازنده (رازبگر)؛ Mason را به معنای بنا (والادگر) در نظر گرفت و آن گونه که به‌نظر می‌رسد آنچه در این پژوهش مدنظر است، بیشتر بر رازبگران و والادگران (معمار سنتی) متمرکز باشد.</p>
۳	معمار در حوزه عمل (فعالیت‌ها)	<p>- این خلدون (۱۳۶۶: ج ۲: ۱۰۱) اشاره می‌کند علاوه بر ساختن و تعمیر بناها که نسبت به مهارت و بصیرت بنایان توسط آنها انجام می‌شود حتی حل‌وفصل اختلافات مربوط به امور ساختمانی در کنار حکم حاکم توسط بنایان با بصیرت انجام می‌شود.</p> <p>- شیمل^{۲۷} (۱۳۸۶: ۳۴۲) در توضیح بنای تاج‌محل آورده است «... معمار استاد احمد لاهوری ملقب به نادرالعصر، برای بخش عظیمی از بنا مسئول بوده است...»</p> <p>- در تاریخ عالم آرای عباسی (اسکندر منشی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۸۵۰) آمده است «در منازل بهشت آسا و باغات فردوس‌نما که طرح طبیعت و معمار همت والای آن حضرت در آنجا طرح انداخته بودند، مسکن انداختند».</p> <p>- در خلاصه التواریخ (منشی قمی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۹۳۴) در توضیح ساخت عمارت مجدد مرقد امام موسی کاظم (ع) و امام جواد (ع) آمده است «... ناظران دیوان، معماران روزگار و مهندسان پرکار را طلب فرمود و مقرر داشتند در بالای مراقد شریف آن حضرات خانه وسیعی که دو گنبد ملاصق یکدیگر داشته باشد با دیگر عمارات [...] بنا کنند و سرکاران تعیین نموده به زودی به اتمام رسانند».</p> <p>- معمار سنتی سازنده‌ای بود که در عین حال معمار، مهندس، پیمانکار، هم طراح و هم سازنده بود و کسی بود که بر ساخت بناهایی همچون کلیساها، قصرها و سایر سازه‌های سنتی و حماسی نظارت می‌کرد (دورسی، ۱۳۸۸: ۱۲۶).</p> <p>- در لغت‌نامه دهخدا (۱۳۸۹) آمده، طراحی به معنی عمل و شغل طراح، نقشه‌ریزی، نقشه بنایی را بر کاغذ و یا بر زمین آن رسم کردن، نظارت به معنی مراقبت و تحت‌نظر و دیده‌بانی داشتن کاری (سرکاری و مباشرت) و ساختن به معنی بناکردن، عمارت‌کردن، درست‌کردن و مهیاکردن می‌باشد که در حوزه معماری با عنوان ساخت و در حفاظت با تعمیر به آن پرداخته شده است.</p>

(نگارندگان)



نیز برای معماران در سازمان نظام‌مهندسی ساختمان وجود دارد؛ طراحی؛ نظارت و اجرا (بنا کردن و ساختن). از این رو آنچه در ادامه فراهم آمده با نگاه به این سه حوزه فعالیتی شکل گرفته است.

معمار سنتی ایرانی در گذر زمان

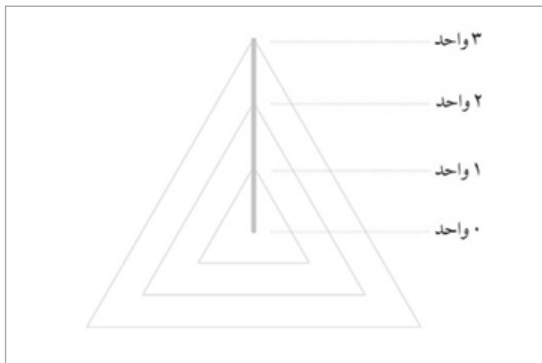
معماران سنتی در راستای ساخت و تعمیر (معماری و حفاظت) که بخشی از فعالیت‌های اصلی آنها را تشکیل می‌داده، در یک سیر تاریخی از گذشته‌ای دور تا به امروز دچار فراز و فرودهایی شده‌اند. به نظر می‌آید مؤلفه‌های مختلفی بر این فراز و فرود تأثیر گذاشته‌اند که مشخص کردن نقش و اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها در دو قرن اخیر، مهم‌ترین هدف این پژوهش است. از این رو تلاش شده تغییرات مذکور در سه دوره اصلی تاریخی مورد واکاوی قرار گیرند: دوره اول که به پیش از افزایش ارتباط ایران و اروپا (قبل از ۱۱۹۲ ه.ش.) می‌پردازد، از آنجا که مربوط به دوران قبل از تغییر و تحولات اجتماعی است، می‌تواند مقیاسی برای توجه به تغییرات بعدی و پیش رو باشد؛ دوره دوم که هم‌زمان با دوره افزایش ارتباط ایران و اروپا (۱۱۹۲ تا ۱۳۵۷ ه.ش.) است به‌عنوان بخشی محوری در این پژوهش، نشان خواهد داد که اغلب تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی در این بازه در جامعه ایرانی صورت پذیرفته و بررسی آن در یک گذر زمانی و در مقام مقایسه با دوره قبلی و بعدی خود زمینه‌های اصلی شکل‌گیری تغییرات را روشن‌تر خواهد نمود؛ دوره سوم که به دوران پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ به بعد) خواهد پرداخت نگرش‌های امروزی و رویکردها نسبت به معمار گذشته را روشن خواهد ساخت تا بتواند این سیر تاریخی را تا به امروز در مقایسه با دیروز کامل نماید.

برای درک مناسب از تغییرات و تحولات روی‌داده، تغییرات روی‌داده در هر دوره بر روی نمودارهایی مطابق شکل روبه‌رو نمایش داده‌شده که اشاره به اهم فعالیت معماران در طراحی، نظارت و ساخت در معماری و حفاظت را دارد. دسته‌بندی واحدهای نمودارها، که در تصویر شماره ۱ ارائه‌شده، وابسته به میزان دخالت معمار در هر یک از حوزه‌های فعالیتی شکل‌گرفته است (۳ واحد: فعالیت کامل در آن حوزه / ۲ واحد: فعالیت مشترک با نسبت پایین‌تر / ۰ واحد: بدون فعالیت در آن حوزه). گفتنی است این واحدها بصورت نسبی برای هر کدام از حوزه‌های فعالیتی با توجه به بررسی متون تاریخی و منابع موجود ارائه‌شده‌اند.

پرده اول: پیش از افزایش ارتباط ایران و اروپا (قبل از عباس میرزا - ۱۱۹۲ ه.ش.)

با توجه به اسناد و مدارک تاریخی موجود و نیز کتیبه‌های به‌دست‌آمده از بناهای تاریخی^{۲۹} و به اذعان قیومی بیدهندی (۱۳۸۵) می‌توان گفت تا پیش از این دوره تمام فعالیت‌های حوزه معماری که معماران سنتی بخشی از آن بوده‌اند از سیستم آموزشی استاد و شاگردی تغذیه می‌کرده است. در این بازه، رسیدن به مرتبه استادی در معماری نیاز به ممارست طولانی داشته که با تأیید استاد و دادن مقام استادی به شاگرد رسمیت می‌یافته است. همچنین دقت در آثار مکتوب و کتیبه‌های به‌دست‌آمده از بناهای گذشته حاکی از آن است که عناوین متنوعی برای مجریان مرتبط با صنعت ساختمان مورد استفاده بوده^{۳۰} به‌گونه‌ای که نشان از وجود مراتبی در صنف ساختمان و معماری است (حسن و همکاران، ۱۳۷۵: ۳۵۹-۳۵۸؛ کیانی، ۱۳۸۵: ۴۷۰-۴۲۳؛ خان محمدی، ۱۳۷۱: ۱۴؛ ولف، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۹۱؛ افشار، ۱۳۵۵: ۵-۲؛ اوکین، ۱۳۸۳: ۹۵-۸۵). البته ندیمی (۱۳۸۵: ۲۰-۱۹) در خصوص وجود یک نظام صنفی در دوره‌های اسلامی اشاره دارد که شواهد تاریخی حاکی از آن است که در دوران طولانی خلافت عباسی و بعد از آن، تمامی صاحبان حرف و صناعت پیشگان، در سازمان‌های فتوت با تشکیلاتی قوی سازمان‌دهی شده بودند و نقش محوری استاد در آموزش حرف در این دوران از موضوعات مورد توجه بوده است. از طرف دیگر مقررات اصناف و آیین‌ها و مراسم آنها در قالب «رساله‌های معماری» در سرزمین‌های شرقی جهان اسلام پا گرفته (حسن و همکاران ۱۳۷۵: ۳۵۷) و در این رساله‌ها، که نمونه‌هایی از آن در ایران نیز وجود دارد^{۳۱}، بسیاری از ضوابط و آیین‌های هر صنف نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند.

سیستم آموزش سنتی معماری که در این دوران مرسوم بود به تدریج با تحولات فرهنگی دچار تغییراتی شد (کیانی،

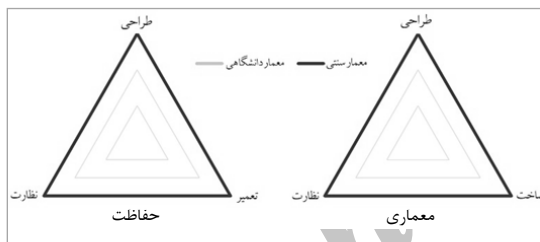


تصویر ۱. مقدار واحدها در نمودارها (نگارندگان)

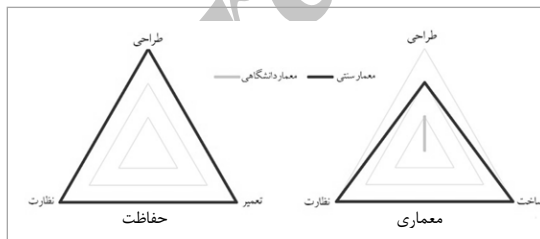
بودند (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳۵۵)، تغییر جدی ایجاد نمی‌شود. همان‌گونه که برادران خلخالی (۱۳۹۱: ۴۰)، نیز اشاره می‌کند معماران در این دوره به کارهایی چون طرای، اجرا، نظارت و تخمین قیمت بنا مشغول هستند و عناوینی مثل «مباشر»^{۳۳} و «معمار باشی»^{۳۴} در متون این دوره به چشم می‌خورد. در این بازه زمانی معماران سنتی تنها با تغییرات محدودی در بُعد طراحی معماری، دیگر فعالیت‌های حفاظت و معماری را پوشش می‌دهند.

- گرایش به مدرنیته در معماری (دوران تجدد و پیش از مدرن)

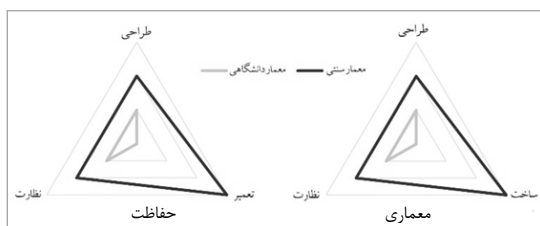
گرایش مدرنیته در معماری تأثیر معماری کلاسیک دنیای غرب است که پس از حکومت فتحعلی شاه و در نتیجه افزایش ارتباط ایران و اروپا شروع می‌شود^{۳۵} و این افزایش مرادفات موجب می‌شود تا عناصری از معماری سنتی تحت تأثیر نفوذ غرب جای خود را به شکل‌های تازه‌ای بدهند^{۳۶}. در این دوره، ایجاد مدرسه عالی دارالفنون توسط امیرکبیر، چه از جنبه طراحی و ساخت آن و چه از نظر دروس تدریس شده در آن، بازگشت میرزا مهدی خان شقاقی به‌عنوان اولین تحصیل‌کرده



تصویر ۲. فعالیت معماران سنتی در حفاظت و معماری قبل از عباس میرزا (نگارندگان)



تصویر ۳. فعالیت معماران سنتی در حفاظت و معماری در دوره عباس میرزا (نگارندگان)



تصویر ۴. فعالیت معماران سنتی در حفاظت و معماری در دوران تجدد (نگارندگان)

اولین اعزام دانشجویان را می‌توان به‌گونه‌ای شروع تحول فرهنگی و دگرگونی اندیشه‌ای دانست که با حرکت آهسته خود تا حدود ۱۹۹۲ م فرایند ایجاد تغییراتی را موجب شد که شیوه آموزش سنتی را روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر نمود. در این بازه زمانی در باب حوزه فعالیت معماران اگرچه بسته به مرتبه شخص، حیطة فعالیت نیز تغییر می‌کند (به‌عنوان مثال یک معمار می‌تواند نقش طراح، مجری و ناظر یک فعالیت معماری را هم‌زمان داشته باشد ولی بنا تنها مجری عمل معماری است) ولی با توجه به تمرکز این مقاله بر معماران سنتی، تمام ساخت‌وساز و تعمیر معماری در کنار طراحی توسط آنها صورت پذیرفته و همچنین به‌عنوان ناظر نیز مطالبی در متون تاریخی مرتبط با آنها دیده می‌شود (منشی قمی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۹۳۴؛ نوائی، ۱۳۶۸: ۱۱۶).

پرده دوم: افزایش ارتباط ایران و اروپا (۱۹۹۲ ه.ش. تا ۱۳۵۷ ه.ش.)

دومین بازه زمانی بررسی در این مقاله، به پس از افزایش ارتباط ایران و اروپا بازمی‌گردد. در این بازه زمانی به‌دلیل تغییرات گسترده اجتماعی و سیاسی در ایران تغییر و تحولات نیز در فعالیت‌های اغلب صنوف و همچنین معماران سنتی مشهودتر است. به‌دلیل شاخص بودن این بازه زمانی دوره مذکور به چهار بخش اصلی تقسیم‌شده و به‌طور خلاصه به شرایط جامعه و بررسی نقش معماران سنتی در آنها پرداخته شده است.

- فرنگ و ارتباط متقابل (عباس میرزا)

شروع تحول در معماری ایران و در کنار آن ایجاد تغییرات در معماری و معماران سنتی در ابتدا به افزایش ارتباط ایران با اروپا بازمی‌گردد. این افزایش ارتباطها که از دوران عباس میرزا آغاز شد ابتدا پایه‌ای نظامی داشت و به‌تدریج در سایر علوم نیز رخنه کرد^{۳۷}. برخوردهای اشاره‌شده به‌تدریج موجب ورود مهندسان خارجی به ایران شد تا اینکه در دوره قاجار به‌تدریج طراحی، از جریان ساخت و اجرای معماری فاصله گرفت و این بخش به‌دست مهندسان خارجی (معماران دانشگاهی) سپرده شد (برادران خلخالی، ۱۳۹۱: ۴۰). به‌نظر می‌آید سپردن این بخش فعالیت معماران سنتی به معماران آموزش‌دیده خارجی، به نوعی به چالش کشیدن صلاحیت معمار سنتی است و مقدماتی برای خروج وی از دایره تصمیم‌گیری حرفه‌ای خواهد بود. این موضوع همچنین عملاً اعتمادبه‌نفس حرفه‌ای وی را خدشه‌دار خواهد کرد. با توجه به شرایط جامعه ایرانی در این دوران و همچنین عدم رسوخ کامل تأثیرات فرنگ و اروپا در جامعه و زندگی مردم عادی، در توجه به معماران سنتی، که تا پیش از این نیز اصلی‌ترین سازندگان و تعمیرکنندگان

معماری و چالش‌های وی در رویارویی با معماران سنتی و فعالیت معماری^{۳۷} پایه‌های تغییر در فرهنگ ایرانی و در پی آن معماری ایران را موجب گشت^{۳۸}. بررسی منابع نشان می‌دهد وی در کنار معمار سنتی در نقش طراح یا ناظر فعالیت می‌کند (جهانگلو، ۱۳۸۰: ۷۸؛ بانی مسعود، ۱۳۹۰: ۱۸۰). با توجه به نفوذ عناصر معماری غرب از یک طرف، تقابل تحصیل کرده‌های دانشگاهی با معماران سنتی از طرف دیگر و زرمه‌های اهمیت باستان‌شناسی و عتیقه‌جات از طرف دیگر و ارتباط مستقیم هر یک از این سه جنبه با معماران سنتی مبرهن است که تغییراتی در حوزه فعالیت آنها صورت پذیرد. همان‌طور که همایی (۱۳۷۵: ۳۴۳) نیز اشاره می‌کند در این دوره هنوز تشکیلات جدید (معماری مدرن) نتوانسته حسن‌ظن جامعه را به خود جلب کند و در بیشتر موارد عامه مردم به تشکیلات و معماران قدیمی خود اعتماد بیشتری دارند. بررسی متون تاریخی مربوط به این بازه زمانی نیز نشان می‌دهد دو عنوان «مباشر» و «معمار باشی» که به گونه‌ای ارتباط بین معمار و حکومت را ایجاد نموده‌اند هنوز در متون این دوره وجود دارند (پی‌نوشت ۳۳ و ۳۴). با اینکه در این دوره هنوز ساخت و تعمیر بر عهده معماران سنتی است؛ ولی به تدریج بخش طراحی و نظارت به گروه جدیدی (تحصیل‌کردگان دانشگاهی) سپرده می‌شود؛ البته به دلیل هم‌زیستی متقابل و حفظ نقش اصلی معماران سنتی، (همانند استفاده از تجربیات آنها در مسجد سپهسالار) به عنوان رکن اصلی ساخت و تعمیر، این تغییر موجب تضعیف آنها نشده است. از طرف دیگر جنبه‌های مثبت این افزایش ارتباط در بحث اهمیت به باستان‌شناسی و آثار تاریخی نیز درخور توجه است. در طول سال‌های سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۲۲۶ تا ۱۲۷۴ ه.ش.)، به گواهی اسناد و کتب تاریخی (اعتمادالسلطنه، بی تا) تعمیرات مکرری در ابنیه تاریخی صورت گرفته است^{۳۹} و این نشان می‌دهد بخشی از فعالیت معماران از این پس به تعمیر این آثار تاریخی اختصاص خواهد داشت. بحث حفاظت و تعمیر آثار تاریخی دارای اهمیتی دوچندان شده و زرمه های حفاظت از آثار و تعمیرات آنها بیشتر شنیده می‌شود.

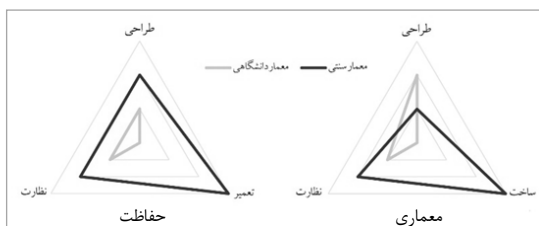
– اهمیت به باستان‌شناسی و عتیقه‌جات

تأسیس اداره عتیقه‌جات به عنوان مقدمه توجه بیشتر به آثار باستانی شناخته می‌شود^{۴۰}. در عصر مشروطه تا طلوع دوران پهلوی از تعمیر آثار تاریخی اطلاع دقیقی در دست نیست و از سال ۱۳۰۰ به بعد به تدریج توجه و اقدام برای حفاظت و تعمیر یادگارهای گذشته، آغاز می‌گردد (مصطفوی، ۱۳۳۴: ۱۳). یکی از اولین اقدامات در این

حوزه، تأسیس انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۱ به پیشنهاد ذکاءالملک فروغی بود که بنای آرامگاه فردوسی به عنوان اولین آثار آنها موجود است^{۴۱} (حجت، ۱۳۸۰: ۲۳۷-۲۳۴؛ حبیبی و اهری، ۱۳۸۹: ۳۷).

بررسی فعالیت‌های انجمن آثار ملی در این دوران نشان می‌دهد که بخشی از معمارانی که در خارج از ایران تحصیل نمودند، طراحی و ساخت بخشی از آثار معماری را در دست دارند. به گونه‌ای که به عنوان نمونه پس از تأیید نشدن طرح اجرایی و مشکلات به وجود آمده در ساخت بنای آرامگاه فردوسی، توسط انجمن آثار ملی، از لرزاده برای اتمام کار دعوت شد (رئیس‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۸) و یا شرح مرمت ایوان مسجد جامع عباسی توسط مرحوم معارفی که پس از ناتوانی آندره گدار توسط وی انجام می‌شود (نگهبان، ۱۳۸۵: ۳۱)؛ این موارد نشان می‌دهد در شروع کار اعتماد و اولویت به معماران جدید داده شده بود و جایگاه حرفه‌ای معماران سنتی به تدریج دست‌خوش تغییر شد.

در این دوره، که با شروع دوره پهلوی اول آغاز و در سال‌های بعد از ۱۳۲۰ با ظهور معماری مدرن به اوج رسید، به مرور معماران به دو گروه اصلی تقسیم شدند: معماران سنتی و معماران دانشگاهی. معماران سنتی موقعیت خود را به تدریج به معماران جدیدی دادند که بر اساس طرح و نقشه و همگام با نظام نوین معماری دانشگاهی حرکت می‌کردند (کیانی، ۱۳۸۶: ۲۳۰؛ جهانگلو، ۱۳۸۰: ۸۶؛ بانی مسعود، ۱۳۹۰: ۲۰۳) و این خود به مرور سبب به حاشیه رانده شدن آنها شد. سه دسته اصلی معماران سنتی، معماران خارجی و معماران ایرانی فرنگ رفته در این دوره فعالیت دارند^{۴۲}. معماران سنتی اغلب در ساخت فضاهای مورد نیاز مردمی فعالیت داشتند و مساجد، حسینیه‌ها و ساختمان‌های عام المنفعه از نوع بناهایی بود که تنها توسط معماران سنتی ساخته می‌شد (کیانی، ۱۳۸۶: ۲۳۱-۲۱۱). معماران خارجی و معماران ایرانی فرنگ رفته، بخش عظیمی از معماری حکومت را در دست گرفتند. همان‌طور که مختاری (۱۳۹۰: ۱۰۴) نیز اشاره می‌کند به جز «جعفر کاشی» و «حسین لرزاده» که



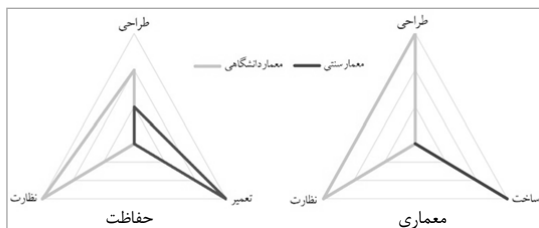
تصویر ۵. فعالیت معماران سنتی در حفاظت و معماری در دوره اهمیت باستان‌شناسی (نگارندگان)

ملی، معماری متأثر از سبک بین‌الملل و معماری مبتنی بر سبک کلاسیک اروپا رویکردهای جدیدی هستند که در این دوره شکل می‌گیرد^{۴۴}. معماران سنتی نیز در این دوره در دو گروه اول فعالیت‌هایی دارند. در گروه دوم که معماری اصطلاحاً ملی است نیز از تجربه آنها به‌خوبی بهره گرفته می‌شود؛ ولی در دو گروه دیگر نقش خیلی کم‌رنگی دارند و اگر هم وجود دارند فقط و فقط در نقش مجری، بدون هیچ اعمال نظری ایفای نقش می‌کنند. معمار سنتی که تا پیش از این تمام فعالیت‌های معماری را انجام می‌داد با ورود آموزش جدید از دخالت در طراحی منع می‌شود. از این پس طرح و امضای معمار تحصیل کرده امکان اجرا و ساخته شدن داشته و به تدریج، معمار بومی از عرصه فعالیت‌های معماری به‌خصوص در فعالیت‌های حکومتی و دولتی خارج و یا به‌صورت بتا، فقط مجری و سازنده می‌شود (حجت، ۱۳۹۱: ۱۶۰-۱۵۷).

البته از دیگر سو در پیامد توجه به باستان‌شناسی و عتیقه‌جات که پیش از این مورد توجه قرار گرفته بود در این بازه زمانی، استفاده از معماران سنتی در ادارات کل باستان‌شناسی و نمایندگی‌های آن در سراسر کشور از موارد مورد توجه بود. همان‌طور که مصطفوی (۱۳۳۴: ۹۱-۸۵) در یادداشت‌های خود نوشته است در سال ۱۳۳۴ تقریباً در هر نمایندگی اداره کل باستان‌شناسی، یک معمار سنتی استخدام بوده‌است. نقش مجری در دو مکتب بین‌الملل و کلاسیک، نقش مجری و در برخی موارد طراح در دو مکتب تلفیقی قاجاری و معماری ملی و نقش طراح، ناظر و مجری در تعمیر بناهای تاریخی تنوع فعالیت معماران سنتی را به‌خوبی نشان می‌دهد.

پرده سوم: پس از مدرن (بعد از ۱۳۵۷)

پس از سال ۱۳۵۷ که آن را می‌توان با عنوان پس از مدرن مدنظر داشت، جنبه‌های متفاوتی در فعالیت معماران سنتی به چشم می‌آید؛ نگرش‌هایی که بیشتر به پس از انقلاب بازمی‌گردد و شامل جنبه‌های متفاوت نظری و عملی فعالیت معماران سنتی می‌شود و بیشتر به مستندسازی این تجارب می‌پردازد. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به دلیل تغییرات حکومتی



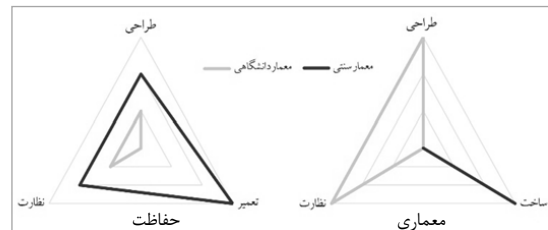
تصویر ۷. فعالیت معماران سنتی در حفاظت و معماری پس از مدرن (نگارندگان)

دستاورد خود را از تجربیات استاد و شاگردی کسب نموده‌اند دیگر معماران موجود از این پس تحصیلات اروپایی دارند که بررسی فهرست ارائه‌شده از معماران از ۱۳۰۰ تا به امروز و بررسی آثارشان نیز مؤید این مطلب است (همان: ۳۳۵-۲۹۸).

تأسیس موزه ملی ایران و طراحی ساختمان آن توسط «آندره گدار»^{۴۵} در ۱۳۰۸ و ساخت آن با نظارت و معماری بتایی با تجربه به نام عباسعلی معمار باشی به تدریج نشان از تغییر در رویکرد معماران سنتی دارد؛ معمار سنتی در این بنا طرح یک معمار دانشگاهی را تنها اجرا و بر ساخت آن نظارت می‌کند و دیگر طراحی آن از وی گرفته‌شده است. در این دوره با اینکه کم‌وبیش معماران تحصیل کرده وجود داشتند ولی اکثریت مردم جهت ساختن ساختمان‌های کوچک و معمولی مانند خانه‌ها و ساختمان‌های تجاری اغلب موارد به مهندس معمار مراجعه نمی‌کردند بلکه به کمک معماران سنتی اقدام به ساخت آنها می‌نمودند. معماران سنتی در این دوره با الگوبرداری از ساختمان‌های مهندسان طراح سعی می‌کردند که نکته‌ها و جنبه‌های معماری جدید را با روش‌ها و آنچه خود از معماری سنتی می‌دانستند بیامیزند. همچنین فعالیت گروه‌های تخصصی فرهنگی که از این دوران آغاز شد به تدریج گسترش یافته و بعدها با ایجاد سازمان ملی حفاظت آثار باستانی (۱۳۴۴) و سپس شکل‌گیری سازمان میراث فرهنگی کشور (۱۳۶۴) جنبه تخصصی تری به خود گرفت و در نتیجه بخش جدیدی برای فعالیت معماران سنتی ایجاد کرد.

- معماری مدرن

تغییر شیوه آموزش معماری که با افتتاح دانشگاه تهران (۱۳۱۹) و تأسیس دانشکده هنرهای زیبا ایجاد شد موجب شد تا آموزش سنتی معماری نیز جای خود را به آموزش دانشگاهی دهد (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴-۳). همان‌طور که حبیبی (۱۳۸۹: ۳۳-۲۷) اشاره می‌کند، رویکردهای معماری نیز در این دوران تغییر یافتند که به نظر می‌رسد تنوع معماران در آن نقش داشته است. معماری مبتنی بر ادامه سبک قاجاری و تلفیقی از عناصر معماری بومی و بیگانه، معماری اصطلاحاً



تصویر ۶. فعالیت معماران سنتی در حفاظت و معماری در دوره معماری مدرن (نگارندگان)

ایجاد شده و نبود عنصر بیگانه در عرصه معماری و شهرسازی کشور، عنصر بومی همه تلاش خود را برای جست‌وجوی معماری خودی و محلی به کار می‌بندد. در این سال‌ها معماری و شهرسازی را می‌توان در سه گرایش عمده فرهنگ گرایان، نوآوران و فرانوآوران شناخت که هر کدام در خود گرایش‌هایی به معماری را پرورش می‌دهند (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۷-۴۹). ایجاد و تنوع این جریان‌های فکری و گستردگی آنها نشان می‌دهد که بسته به نوع دیدگاه به‌عنوان بخشی از دانش سنتی، ممکن است نقش معماران و معماری سنتی نیز در فعالیت‌های آنها متفاوت باشد و در برخی موارد شاید هیچ جایگاهی نداشته باشند. در این بازه با فاصله گرفتن از منابع اصیل دانشی اگرچه بازگشت به معماری بومی مورد توجه بود؛ ولی این بازگشت با بازگشت دوباره معماران سنتی به حوزه فعالیت گذشته‌شان همراه نشد؛ بلکه برخی از معماران مدرن در پی یادگیری آموزه‌های دنیای سنتی و بازگشت به آن اصول برآمدند (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۷-۵۴). انتشارات، مصاحبه‌ها، تقدیرها، همایش‌ها و سخنرانی‌هایی

که با موضوع مستقیم معماران سنتی برگزار شد و می‌شود نشان از همین رویکرد دارد. شاید از نظر فعالیت‌های بتوان گفت معماران سنتی بازگشتی به جایگاه گذشته خود نداشته‌اند (فعالیت در طراحی، نظارت و ساخت یا تعمیر)؛ ولی به‌عنوان منابعی از دانش گذشته مورد توجه برخی از رویکردهای امروز معماری هستند. در نهایت از نظر جایگاه حرفه‌ای، آنها امروزه در حوزه حفاظت و تعمیر، اجراکننده و به واسطه تجربه فنی، به‌صورت محدود، در طراحی نیز به کار گرفته می‌شوند. تجربیات استفاده از معماران سنتی برای طراحی و اجرای پوشش‌های خاص، استفاده از تجارب معماران سنتی در مباحث فن‌شناسی در پژوهش‌های دانشگاهی و حضور آن در برخی از دانشگاه‌ها شاهدهی برای این موضوع است که به واسطه تجربه گذشته برای آنها فراهم شده است.

نتیجه‌گیری

تلاش این پژوهش در راستای پاسخ به این پرسش است که «تعامل معماران سنتی با تغییرات نظام و ساختار

جدول ۲. جمع‌بندی تغییرات نقش معماران سنتی در فرآیند تحولات معماری و حفاظت

تغییرات نقش معماران در فرآیند تحولات معماری و حفاظت	اصول ترین مؤلفه‌های مرتبط با معمار و معماری	دوره‌های زمانی
	آموزش استاد و شاگردی - تجربه عملی - معمار به عنوان رهبر یک فعالیت معماری - تعمیر در کنار معماری	پیش از افزایش ارتباط ایران و اروپا (قبل از عباس میرزا / ۱۱۹۲ ه.ش)
	گرایش به تقلید از غرب در ایران در میان معماران و کارفرمایان حکومتی - عدم رنج معماری غرب در میان جامعه مردم	فرنگ و ارتباط متقابل (دوره عباس میرزا)
	بروز اولین تقابل‌های معماران سنتی با معماران جدید آغاز رهنه‌های برای توجه به حفاظت از آثار تاریخی	مدرنیته یا تجدد در معماری
	تقابل دو گروه معماران سنتی و معماران دانشگاهی - شکل‌گیری نهاد حفاظتی: سازمان حفاظت آثار باستانی و فعالیت‌های جدید	اهمیت به باستان‌شناسی و عتیقه‌جات
	آغاز تغییر شیوه آموزش معماری به آموزش دانشگاهی - به‌کارگیری معماران سنتی در انارات کل باستان‌شناسی	معماری مدرن
	توجه به معماری بومی - توجه به دانش بومی در دانشگاه - حفاظت از آثار تاریخی - دانش سنتی حفاظت	بعد از ۱۳۵۷ ه.ش

معمار سنتی (معماری) ■ حفاظت (■) معمار دانشگاهی (معماری) ■ حفاظت (■)

(نگارندگان)

اجتماعی پس از ورود آموزش جدید معماری، چگونه بوده است؟» و با هدف بررسی و تحلیل عوامل تغییر، نقش معماران سنتی در جامعه معماری و جمع‌بندی این عوامل، زمینه روشنی از دلایل و شرایط رخ داده را بازگو نماید و به بررسی حوزه‌های مرتبط با این تغییر و تحولات بپردازد. لذا به‌طور کلی این بررسی‌ها نشان داد که معماران سنتی در گذر زمان با توجه به رویدادهای جامعه، خود را با آنها پیش برده و اگرچه حوزه فعالیت آنها دچار تغییراتی شده و دیگر تمام فعالیت‌های معماری و حفاظت توسط آنها انجام نمی‌شود؛ ولی هنوز جایگاه خود را از دست نداده و به‌عنوان یکی از منابع دانش گذشته مورد توجه هستند. در نتیجه به‌منظور ارائه جمع‌بندی کلی از آنچه مورد بررسی و مرور قرار گرفت، تغییرات ایجاد شده به‌طور خلاصه در جدول ۲ ارائه شده است.

همگامی تغییر در شرایط معماران سنتی و فعالیت‌های ایشان با تغییرات شرایط جامعه و رویارویی با معماری مدرن در ایران، بخش دیگری از نتایج این پژوهش است که مورد توجه قرار گرفته و برای انتقال بهتر موضوع، موارد مرور شده در قالب نمودارهایی و با یک بیان تصویری ارائه شده‌اند. آنچه به‌عنوان سرگذشت معمار سنتی ایرانی در رویکرد تاریخی مورد بررسی قرار گرفت، نشانگر تأثیرپذیری آنها از شرایط و رویدادهای متناظر جامعه است. از نگاه دیگر در جمع‌بندی رویکرد تاریخی به معمار ایرانی و فعالیت‌های آن در گذر زمان می‌توان این‌گونه اشاره کرد که معماران سنتی قبل از مدرنیته مجری تمام فعالیت‌های معماری و حفاظت بودند. با ورود تحولات تمدنی جدید «معمار باشی»، که یک منصب حکومتی است و کم‌وبیش در دوران ورود مدرنیته جای پای فعالیت‌هایش در ارگان‌های حکومتی دیده می‌شود، تصمیم‌گیرنده فعالیت‌های معماری شناخته می‌شود. شخصی تحت عنوان «مبشر» نیز از دوره قاجار به تدریج در متون تاریخی به چشم می‌خورد که به‌عنوان ناظر فعالیت‌ها و به‌عنوان نماینده دولت بر ساخت و تعمیر معماری نظارت می‌کند. «معمار» به‌عنوان سطح بعدی نیز وابستگی به حکومت را کمتر داشته ولی تمام آن فعالیت‌ها را انجام می‌داده است و «بنا» تنها مجری ساخت معماری و عمل براساس طرحی بود که معمار درمی‌انداخت.

این سیر تاریخی با ورود معماران دانشگاهی به حوزه فعالیت معماری دچار تغییر شد و در نتیجه آن معماران سنتی، چه معمار باشی، چه معمار، چه مبشر و چه بنا، در معماری به تدریج فقط «بتیان سنتی» شناخته شدند. در حالی که در حوزه حفاظت و مرمت، بسته به تجربه آنها در نظام معماری سنتی هنوز دانسته‌ها و تجربه آنها مورد توجه و همان عنوان «معمار سنتی» برای آنها باقی مانده است. این مطالعه، نگاه تاریخی و تبیینی به جایگاه حرفه‌ای معماران را ارائه نمود که می‌تواند با پژوهش‌هایی در آینده تکمیل شود. بررسی هر کدام از عناوین، مثل معمار باشی، مبشر و یا بنا و پیشه‌ور که در مقاله اشاراتی به آن‌ها شد می‌توانند با کدوکاو در منابع کهن به‌صورت پژوهش‌هایی مستقل مطرح شوند. همچنین از یک‌طرف می‌توان تأثیر این اتفاقات و تغییرات را بر دانش ضمنی معماران سنتی مورد مطالعه قرار داد و از طرف دیگر برای جلوگیری از فقدان این دانش همراه با تجربه و بهره بیشتر از آن برنامه‌ریزی کرد.

پی‌نوشت

۱. برای نمونه کتیبه‌های تاریخی می‌توان به: تعمیر پرستش‌گاه هائیرا توسط داریوش کبیر در کتیبه داریوش کبیر در بیستون (شارپ، ۱۳۸۲: ۳۹) در دوره هخامنشی؛ کتیبه‌های تعمیرات مسجد جامع اصفهان در دوران سلطان ملک‌شاه سلجوقی (۴۶۵ تا ۴۸۵ ه.ق.) و دوره صفویه (قرن دهم هجری) و دیگر دوره‌ها (هنر فر، ۱۳۴۴: ۱۶۸-۶۷)؛ کتیبه تعمیرات برج طغرل شهری توسط ابوالحسن معمار باشی (مصطفوی، ۱۳۳۴: ۸) و برای اسناد تاریخی: اسناد تعمیر مسجد گوهرشاد در دوران صفویه و افشاریه (۱۰۰۸ تا ۱۱۱۹ ه.ق.) (نظر کرده، ۱۳۹۰) اشاره نمود.
۲. تعمیر و مرمت سردر مسجد میرعماد کاشان، مسجد جامع اردستان و مسجد جامع نطنز توسط استاد غلامرضا فرزانه (سجادی نائینی، ۱۳۸۵: ۲۱)؛ تعمیرات مسجد شهید مطهری، نمای جنوبی مسجد امام خمینی تهران توسط حسین لرزاده (لرزاده، ۱۳۶۴: ۹۳)؛ مرمت‌های مسجد جامع عباسی و مسجد شیخ لطف‌الله توسط مرحوم معارفی (ورجاوند، ۱۳۵۶) به‌عنوان نمونه‌های مختصری مورد اشاره است.
۳. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نگاه کنید به (کیانی، ۱۳۸۶: فصل هشتم)

۴. این رویکردهای متنوع در قالب پیشینه تحقیق در رساله دکترای نگارنده اول مفصلاً بحث و مطالعات مرتبط با آنها مورد توجه قرار گرفته‌اند و در این بخش تنها نمونه‌هایی از آنها آمده است. پیشنهاد می‌شود برای تکمیل این مباحث، فصل دوم رساله مذکور مطالعه گردد.
۵. از این دسته مطالعات در زبان فارسی می‌توان به (بزرگ نیا، ۱۳۸۳؛ اوکین، ۱۳۸۳: ۶۴۳-۶۲۰؛ ذکاء، ۱۳۸۵: ۴۶۳-۴۴۱؛ ستوده، ۱۳۸۵: ۴۷۰-۴۶۴) و برای تألیفات سایر زبان‌ها به موارد زیر اشاره نمود:
- (Wilber 1954, 37-41; O'Kane 1982, 37-41 & 371-382; Golombek et al 1988, 65-69 & 458-462; Blair 1986)
۶. کرجی و تجربیاتش در حفر قنات در استخراج آب‌های پنهانی (کرجی، ۱۳۷۳)، توجه خاص به معماران و مهندسان و القاب آنها در فصل سی و هفتم از مرتبه سوم (مکاتبات اشراف الناس) در دستورالکاتب فی تعیین المراتب (شمس منشی، ۱۳۹۰)، بیهقی درباره عمارات شاهی سلطان مسعود غزنوی در غزنین (بیهقی، ۱۳۵۶: ۶۵۲)، تاریخ‌نگارانی مثل رشیدالدین فضل‌الله و وصاف شیرازی درباره مقبره غازان خان و ابن‌خلدون (قرن نهم) در توصیف صناعت بنایی (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ۸۰۷ و ۸۱۲-۸۱۰) تعدادی از مورخین هستند که به گونه‌ای به معمار و سازنده پرداخته و درباره آنها مطلب نوشته‌اند.
۷. توصیف پیشه معمار در شهر آشوب‌ها (افشار، ۱۳۷۸: ۶۷-۶۵)، توصیف فعالیت‌های معماری و شهرسازی از جمله ایوان مدائن در شاهنامه فردوسی (سلطان زاده، ۱۳۷۷: ۱۳۸-۱۳۲)، توصیف معمار و معماری در بخش نهم (صفت سنمار و ساختن قصر خورنق) و بخش ۲۵ (صفت بزم بهرام در زمستان و ساختن هفت‌گنبد) هفت‌پیکر نظامی و واژه‌های معماری در دیوان حافظ (طیسی، ۱۳۷۹: ۹۲-۹۳) نمونه‌هایی از پژوهش‌ها در متون نظم فارسی هستند.
۸. به‌عنوان نمونه نگاه کنید به: خاطرات ممتحن الدوله در ۱۳۱۲ به‌عنوان اولین معمار تحصیل کرده ایرانی (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳)، تشریح فعالیت‌های بنا، معمار و کارگر در سفرنامه خراسان تا بختیاری در ۱۲۶۸ (آلمانی، ۱۳۳۵: ۱۴۷)، تشریح فعالیت‌های معماران مقلی در ماهی سفید کور در ۱۳۳۰ (اسمیت، ۱۳۶۹).
۹. تعدادی از تألیفات محققینی مثل ماهرالنقش، شعرباف، رئیس‌زاده و مفید و پور نادری و حتی برخی آثار پیرنیا در این گروه قرار می‌گیرند.
۱۰. برای نمونه‌هایی از این مجلات نگاه کنید به گروهی از مقالات در مجله‌های اثر، هنر و مردم، گلستان هنر و یا فرهنگ اصفهان.
۱۱. تعدادی از تألیفات محققینی مثل معماریان، بزرگمهری، زمرشیدی و فرهاد تهرانی به این موضوع پرداخته‌اند.
۱۲. منابع مکتوب یکی از اقسام و طبقات منابع مطالعاتی تاریخ معماری ایران است که قیومی بید هندی (۱۳۹۰، ۱۴۰-۱۳۸) ارائه می‌نماید.
۱۳. دستگاه نظارتی بر فعالیت‌های معماران که حسب نام داشت نیز با تشکیلات اصناف رابطه مستقیم دارد (غرابی، ۱۳۸۵: ۲۷۴).
۱۴. در بخش «معمار سنتی ایرانی در گذر زمان» در همین مقاله مفصلاً به این موضوع پرداخته خواهد شد.
۱۵. به نظر می‌رسد منظور طباطبایی از سده‌های میانی قرون ششم تا هشتم هجری قمری است.
۱۶. برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنید به: (راوندی، ۱۳۵۴؛ اعتمادالسلطنه، بی‌تا؛ لاله، ۱۳۷۵)
۱۷. «باشی» واژه‌ای ترکیبی به معنای مقدم، رئیس و مدیر است. در عهد صفوی و قاجاریه این «باشی‌ها» همه جز صاحب‌منصبان درباری هستند و مجبور نیستند شخصاً کار بکنند اما حق دارند به زیردستان حکمرانی کنند (راوندی، ۱۳۵۴: ۳۹۵ و ۴۱۵).
۱۸. واژه مهرز برابر است با سرمعمار و کسی که دیدگاه‌هایش کار را پیش می‌برد (معادل آرشیتکت). همچنین در فرهنگ آندراج «دزار»؛ در فرهنگ حسابی «دزار» و «زاویل» و در فرهنگ نظام «تخنی» و در فرهنگ فارسی به پهلوی «رازیگر» برای معادل واژه مهرز آمده است.

19. Architect

20. Marcus Vitruvius Pollio

۲۱. درباره Architect در فرهنگنامه ریشه‌شناسی (Harper 2001) آمده است شخصی که ساختمان را طراحی می‌کند و در بسیاری از موارد مشاوری برای ساخت‌وساز است.
۲۲. Builder به شخصی گفته می‌شود که می‌سازد و یا چیزی را تعمیر می‌کند (Merriam-Webster 2005).
۲۳. Mason در فرهنگ‌نامه ریشه‌شناسی (Harper 2001) به معنای یک بنای سنگ کار معروف است؛ در تعریف آن در مریام وبستر (Merriam-Webster 2005) یک کارگر ماهر کسی که با سنگ و آجر می‌سازد و کار می‌کند تعریف شده است.
۲۴. Craftsman در فرهنگ ریشه‌شناسی (Harper 2001) آمده است که یک عضو از صنف مهارتی (پیشه) است که مرد حامل پیشه و مهارت را نشان می‌دهد.
۲۵. به‌عنوان نمونه برای Builder ترکیبات دیگری که با آن ایجاد شده عبارت‌اند از: Homebuilder، Cowboy Builder. برای Craftsman ترکیبات دیگری که با آن ایجاد شده عبارت‌اند از: Masonry، Master craftsman، Crafts person، Craftsman. برای Mason ترکیبات دیگری که با آن ایجاد شده عبارت‌اند از: Masonry.
۲۶. در این زمینه نگاه کنید به: (Wilber 1954, Mayer 1978, Asquith and Vellinga 2006, Wilber 1976, Wulff 1966, Blair) (۱۳۸۵، ویلبر، ۱۳۷۵؛ هیل و گرابار، ۱۳۸۶؛ هواگ، ۱۳۸۳؛ اوکین، ۱۳۸۶؛ هیلن براند، ۱۳۸۶؛ اوکین، ۱۳۸۳؛ هواگ، ۱۳۸۶؛ ویلبر، ۱۳۸۵).

27. Schimmel, Annemarie

۲۸. برای نمونه نگاه کنید به (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۱: ۱۷۵؛ کتبی، ۱۳۶۴: ۱۴۹؛ آلمانی، ۱۳۳۵: ۸۳۴؛ راوندی، ۱۳۵۴، ج ۷: ۵۴۳)
۲۹. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نگاه کنید به (لاله، ۱۳۷۵: ۴۰ و ۴۱)
۳۰. در آثار مکتوب و نیز در کتیبه‌های به‌دست‌آمده از بناهای گذشته از مجریان ساختمان با عناوینی مثل مهندس، معمار-مهندس، معمار، استاد، بنا، صنعتگر، عمله و پیشه‌گر یاد شده است (لاله، ۱۳۷۵: ۴۰).
۳۱. برای نمونه نگاه کنید به (افندی، ۱۳۸۹).
۳۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: (بانی مسعود، ۱۳۹۰: ۱۱؛ جهاننگلو، ۱۳۸۰: ۷۶).
۳۳. به‌عنوان نمونه برای مباشر در متون آمده است: «... همایون شرف صدور یافت که در خارج کرمان شهری بنا کنند دارای دروازه و بروج و بیوتات و از اطراف آذوقه و لوازم معاش در آن جمع آورند. مأمورین مباشر مشغول کار شدند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۴۳۴)» و یا آمده است «... که کریم داد بیک که در سنوات سابق مباشر ریگان بوده، در قلعه مزبوره بنا نهاده است (فرمانفرما ۱۳۸۳، ۸۰)» همچنین پیش از این در توضیح مسجد تیمور در سمرقند آمده است «چون تیمور از سفر بازگشت و به مسجد نظاره نمود، مباشر کار را فراخواند و دستور داد که دو پای او را ببندند... (راوندی، ۱۳۵۴، ج ۵: ۳۲۶)».
۳۴. به‌عنوان نمونه برای معماری در متون آمده است: «... قلعه ارگی تازه به معماری عبدالله‌خان معمارباشی بنا کردند، عمارات دیوانی اصفهان را برای ورود موبک همایون تعمیر نمودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج: ۱۷۱۵)» و یا آمده است «از حق نمی‌توان گذشت با اینکه اجرت دادن برای معماری به قراری که جمعی می‌گفتند بسیار سخت بود اما دیدم در کمال خوشی به من پول می‌داد (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳: ۱۴۹)» و یا آمده است «در خرید و فروخت خانه‌ها سهمی عاید پادشاه نمی‌شود، اما رئیس بنایان یا معمار باشی دو درصد معامله را مطالبه می‌کند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲: ۸۷۸)».
۳۵. این سلیقه جدید در معماری ایران از طرف روسیه و قفقاز و همچنین بوشهر در خلیج فارس به ایران نفوذ می‌نماید (جهاننگلو، ۱۳۸۰: ۷۵).
۳۶. نفوذ عناصر معماری غربی در ایران به تدریج با تغییرات در ارتفاع پله‌ها، بخاری دیواری بزرگ، پله در پاگرد، گچ‌بری با نقش‌های فرنگی، پنجره‌های کلاسیک در تقابل با ارسی‌ها و بسیاری نمونه‌های دیگر در برخی ساختمان‌های جدید دیده می‌شوند (جهاننگلو، ۱۳۸۰، ۷۹).
۳۷. ممتحن الدوله برای کار به جامعه‌ای وارد شده بود که تا پیش از این تمام فعالیت‌های معماری بر عهده معماران سنتی بود و با خدمات معماری که او در مدارس اروپایی فراگرفته بود ناآشنا بودند (جهاننگلو، ۱۳۸۰: ۷۷).
۳۸. طراحی دارالفنون که با طراحی یک آموخته دانشگاهی انجام شد مقدمه‌ای از تغییرات جدید و ایجاد دارالفنون به‌عنوان شیوه آموزشی جدید جنبه‌ای از این تغییر به‌شمار می‌آید (جهاننگلو، ۱۳۸۰: ۷۷).
۳۹. اولین خاک‌برداری علمی در تخت جمشید در ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۶ و دستور ناصرالدین‌شاه مینی بر تعمیر گنبد سلطانیه در سال ۱۲۹۵، بخشی از این تعمیرات در دوره ناصرالدین‌شاه است که در راستای حفاظت از آثار تاریخی انجام گرفته است (مصطفوی، ۱۳۳۴: ۱۰-۵). برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نگاه کنید به (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷).
۴۰. برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنید به (مصطفوی، ۱۳۳۴: ۲۳-۲۴؛ نگهبان، ۱۳۸۵: ۵۸ و ۶۲).
۴۱. ایجاد آثار معماری مثل ساختمان پست ۱۳۰۷، بانک ملی ۱۳۰۹، دبیرستان فیروز بهرام ۱۳۱۱، ایستگاه راه‌آهن ۱۳۱۲، دانشگاه تهران ۱۳۱۳ و کتابخانه ملی ۱۳۱۴ از دیگر آثاری است که پس از آرامگاه فردوسی و به تقلید از سبک معروف به رضاخانی مرسوم گشت (حجت، ۱۳۸۰).
۴۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به (کیانی، ۱۳۸۶: فصل هشتم).
۴۳. طرح و نقشه ساختمان موزه ایران باستان در سال ۱۳۰۸ توسط آندره گدار تنظیم شد و ساختمان آن با نظارت و معماری، بنایی باتجربه به نام حاج عباسعلی معمار باشی در سال ۱۳۱۶ به اتمام رسید (نگهبان، ۱۳۸۵: ۶۲).
۴۴. به‌دلیل گستردگی معماران، مکاتب معماری مختلف نیز شکل می‌گیرند و گروه‌هایی که از آن‌ها نام‌برده شد در مکاتب مختلف معماری فعالیت می‌کنند. نو پردازان، نو سنت‌گرایان و حالت‌گرایان جریان‌های فکری هستند که در معماری این دوره دیده می‌شوند (حبیبی و اهری، ۱۳۸۹: ۳۹-۳۴).

منابع و مأخذ

- آلمانی، هانری رنه د. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. علی محمد فره‌وشی (مترجم)، تهران: ابن‌سینا.
- ابن‌اخوه، محمدبن محمد. (۱۳۶۷). معالم‌القریه فی احکام‌الحسبه (آیین شهرداری در قرن هفتم هجری). ویراسته محمد محمود شعبان و صدیق احمد عیسی، جعفر شعار (مترجم)، (۱۳۶۷)، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمان بن محمد. (۱۳۶۶). مقدمه ابن‌خلدون. محمد پروین گناباد (مترجم)، تهران: علمی و فرهنگی.

- اسکندر منشی. (۱۳۸۲). *تاریخ عالم آرای عباسی*. ویراسته ایرج افشار، ۳ جلد. (۱۳۸۲)، تهران: امیرکبیر.
- اسلامی، سید غلامرضا و نقد بیشی رضا. (۱۳۹۱). مدل‌سازی راهبردهای ساختاری دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران با اقتباس از تجربیات گذشته. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*. (۹)، ۱۷-۱.
- اسمیت، آنتونی. (۱۳۶۹). *ماهی سفید کور در ایران: سفرنامه آنتونی اسمیت*. ترجمه محمود نبی‌زاده، تهران: گستره.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. بی‌تا. *المآثر و الآثار*. تهران.
- _____ (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. ویراسته محمد اسماعیل رضوانی (۱۳۶۷)، تهران: دنیای کتاب.
- افشار، ایرج. (۱۳۵۵). *مقدماتی درباره تاریخ معماری در ایران بر اساس متون فارسی*. هنر و مردم. ۱۵ (۱)، ۵-۲.
- _____ (۱۳۷۸). *شهرآشوب پیشه‌های ساختمانی*. رواق. ش ۴: ۶۷-۶۵.
- افشار نادری، کامران. (۱۳۷۴). *نقش معمار*. مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ج ۳. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- افندی، جعفر. (۱۳۸۹). *رساله معماریه: متنی از سده یازدهم هجری*. مهرداد قیومی بید هندی و هوارد کرین (مترجم)، تهران: موسسه متن.
- اوکین، برنارد. (۱۳۸۳). *معماری تیموری در خراسان*. علی آخشینی (مترجم)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اولیاء، محمدرضا. (۱۳۸۱). *شناخت اصطلاحات معماری سنتی ایران؛ منطقه مورد مطالعه یزد، به سوی روشی جایگزین برای بازشناسی معماری*. پایان‌نامه دکترای تخصصی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۰). *معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته)*. دوم، تهران: هنر معماری قرن.
- برادران خلخالی، زهرا. (۱۳۹۱). *تأملی در اصناف و شئون معماران دوره قاجاریه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- بزرگ‌نیا، زهره. (۱۳۸۳). *معماران ایران از آغاز دوره اسلامی تا پایان قاجار*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- بهشتی، محمد و قیومی بید هندی، مهرداد. (۱۳۸۸). *فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی*. تهران: موسسه متن.
- بیهقی، محمدبن حسین. (۱۳۵۶). *تاریخ بیهقی*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۷). *تحقیق در معماری گذشته ایران*. تهران: سروش دانش.
- جمال‌الدین آنجو، حسین‌بن حسن و عقیفی رحیم. (۱۳۵۱). *فرهنگ جهانگیری*. مشهد: دانشگاه مشهد.
- جهانبگلو، رامین. (۱۳۸۰). *ایران و مدرنیته: گفت‌وگوهایی با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن*. حسین سامعی (مترجم)، تهران: گفتار.
- حبیبی، محسن و اهری زهرا. (۱۳۸۹). *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر با تأکید بر دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۷*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حجت، عیسی. (۱۳۹۱). *سنت و بدعت در آموزش معماری*. تهران: دانشگاه تهران.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). *میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- حسن، احمدیوسف و هیل، دونالد راتلیج. (۱۳۷۵). *تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی*. ناصر موفقیان (مترجم)، تهران: علمی و فرهنگی.
- خان محمدی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *فتوت‌نامه بنایان*. صغه. (۵)، ۱۵-۱۰.
- داعی‌الاسلام، محمدعلی. (۱۳۸۳). *فرهنگ نظام فارسی به فارسی*. تهران: کتابخانه دانش.
- دورسی، رابرت دبلیو. (۱۳۸۸). *سیستم‌های اجرای پروژه در صنعت ساختمان*. محمود گلابچی و امیر فرجی (مترجم)، تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). *لغت‌نامه دهخدا (ویرایش چهارم)*. تهران: دانشگاه تهران.
- دیماند، موریس اسون. (۱۳۸۳). *راهنمای صنایع اسلامی*. عبدالله فریار (مترجم)، تهران: علمی و فرهنگی.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۸۵). *معماران، استادکاران دوره اسلامی در معماری ایران (دوره اسلامی)*. تهران: سمت.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۵۴). *تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: امیرکبیر.

- رئیس زاده، مهناز و مفید، حسین. (۱۳۸۳). *بیهوده سخن: ده مقاله در زیبایی‌شناسی و هنر معماری*. تهران: مولی.
- رفیعی سرشکی، بیژن؛ رفیع‌زاده، ندا و رنجبر کرمانی، علی محمد. (۱۳۸۲). *فرهنگ مهرازی (معماری) ایران*. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- ریاضی، محمدرضا. (۱۳۷۴). *صنف معمار در دوران اسلامی*. مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲: ۳۷۹-۳۵۶. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۸۵). *هنرمندان دوره اسلامی در معماری ایران (دوره اسلامی)*. تهران: سمت.
- سجادی‌نائینی، سیدمهدی. (۱۳۸۵). *استاد غلامرضا فرزانه‌ای محمدی معمار سنتی*. *فرهنگ اصفهان*. (۳)، ۱۰۱-۹۷.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۷). *معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی*. ویراسته بابک مختار. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شاد، محمدپادشاه و دبیرسیاکی، سیدمحمد. (۱۳۳۵). *فرهنگ آندراج*. تهران: خیام.
- شارپ، رالف نورمن. (۱۳۸۲). *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی که به زبان آریایی نوشته شده است*. تهران: پازینه.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن: متن کامل*. اقبال یغمایی (مترجم)، تهران: توس.
- شمس منشی، محمدبن هندوشاه. (۱۳۹۰). *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*. ویراسته عبدالکریم علی اوغلی‌زاده، ۲ جلد، مسکو: دانش.
- شیخلی صباح، ابراهیم‌سعید. (۱۳۶۲). *اصناف در عصر عباسی*. هادی عالم‌زاده (مترجم)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شیمل، آنه‌ماری. (۱۳۸۶). *در قلمروی خانان مغول*. فرامرز نجدسمیعی (مترجم)، تهران: امیرکبیر.
- صادقی‌پی، ناهید. (۱۳۸۸). *تأملی در معماری سنتی*. صغه. ۱۸ (۴۸)، ۱۶-۷.
- طباطبائی، صالح. (۱۳۹۱). *دانش‌نامه هنر و معماری ایرانی*. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- طبسی، محسن. (۱۳۷۹). *واژه‌های معماری در دیوان حافظ*. رواق. (۵)، ۹۴-۷۵.
- غرابی، سهیلا. (۱۳۸۵). *نقش معماران در دوران اسلامی*. مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲، ۲۸۳-۲۶۹.
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا. (۱۳۸۳). *مسافرت نامه کرمان و بلوچستان*. تهران: اساطیر.
- قیومی‌بیدهندی، مهرداد. (۱۳۸۵). *آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه*. صغه. ۱۵ (۴۲)، ۶۴-۸۵.
- ———. (۱۳۹۰). *گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر*. تهران: علمی و فرهنگی.
- کتبی، محمود. (۱۳۶۴). *تاریخ آل مظفر*. ویراسته عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر.
- کرجی، محمدبن حسن. (۱۳۷۳). *انباط المیاه الخفیه (استخراج آب‌های پنهانی)*. حسین خدیوچم (مترجم)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ کمیسیون ملی یونسکو.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۸۵). *معماری ایران دوره اسلامی*. تهران: سمت.
- کیانی، مصطفی. (۱۳۸۶). *معماری دوره پهلوی اول*. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- لاله، هایده. (۱۳۷۵). *معماران دوره اسلامی، دانش نظری و کاربرد عملی آن*. وقف، میراث جاویدان. ۴ (۱)، ۵۰-۳۹.
- لرزاده، حسین. (۱۳۶۴). *منظومه بلند آجر و خشت*. هنر. (۹)، ۹۳-۷۶.
- مختاری، اسکندر. (۱۳۹۰). *میراث معماری مدرن ایران*. *فرهنگ و معماری*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مصطفوی، محمدتقی. (۱۳۳۴). *تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده*. تهران: اداره کل باستان‌شناسی.
- مفید، حسین و رئیس‌زاده، مهناز. (۱۳۸۵). *ماجرای معماری سنتی ایران در خاطرات استاد حسین لرزاده*. تهران: مولی.
- ممتحن الدوله، مهدی‌بن رضاقلی. (۱۳۵۳). *خاطرات ممتحن الدوله، زندگی‌نامه میرزا مهدی خان ممتحن الدوله شقاقی*. ویراسته حسینقلی خان شقاقی، مجموعه خاطرات و سفرنامه‌های ایران، تهران: امیرکبیر.
- منشی قمی، احمدبن حسین. (۱۳۸۳). *خلاصه التواریخ*. ویراسته احسان اشراقی، ۲ جلد، تهران: دانشگاه تهران.
- موسوی اصفهانی، محمدصادق. (۱۳۸۳). *تاریخ گیتی گشا در تاریخ زندیه*. ویراسته سعید نفیسی. تهران: اقبال.
- ندیمی، هادی. (۱۳۷۰). *مدخلی بر روش‌های آموزش معماری*. صغه. (۲)، ۱۷-۴.
- ———. (۱۳۸۵). *کلک دوست: ۱۰ مقاله در هنر و معماری*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

- نظر کرده، اعظم. (۱۳۹۰). اسناد تعمیرات مسجد جامع گوهرشاد در دوره صفویه و افشاریه. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. شمسه. (۱۲ و ۱۳).
- نگهبان، عزت‌الله. (۱۳۸۵). **مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران**. تهران: سبحان نور.
- نوائی، عبدالحسین. (۱۳۶۸). **نادرشاه و بازماندگانش، همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری**. تهران: زرین.
- واصفی، محمودبن عبدالجلیل. (۱۳۴۹). **بدایع‌الوقایع**. ویراسته‌الکساندر نیکالایویچ بولدیریف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۵۶). **نگاهی به پیشینه تعمیر برخی از بناهای تاریخی اصفهان (یادی از شادروان استاد معارفی معمار بناهای تاریخی)**. هنر و مردم. ۱۵ (۱)، ۱۸-۲.
- ولف، هانس. (۱۳۸۸). **صنایع‌دستی کهن ایران**. سیروس ابراهیم‌زاده (مترجم)، تهران: علمی و فرهنگی.
- ویتروویوس پولیو، مارکوس. (۱۳۸۸). **ده کتاب معماری**. ریما فیاض (مترجم)، تهران: دانشگاه هنر.
- ویلبر، دونالد. (۱۳۸۵). **معماران، استادکاران دوره اسلامی در معماری ایران (دوره اسلامی)**. کرامت‌الله افسر و محمد یوسف کیانی (مترجم)، تهران: سمت.
- هنر فر، لطف‌الله. (۱۳۴۴). **گنجینه آثار تاریخی اصفهان**. اصفهان: کتاب‌فروشی ثقفی.
- هواگ، جان. (۱۳۸۶). **معماری جهان اسلام**. بهاره رضایی جعفری و شهره علی‌بخشی (مترجم)، تهران: طحان.
- هیل، درک و الگ گرابار. (۱۳۷۵). **معماری و تزئینات اسلامی**. مهرداد وحدتی (مترجم)، تهران: علمی و فرهنگی.
- هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۶). **معماری اسلامی: فرم، عملکرد و معنی**. ایرج اعتصام (مترجم)، تهران: پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- Asquith, L.& Marcel ,V. (2006). **Vernacular architecture in the twenty-first century : theory, education and practice**, London ; New York: Taylor & Francis.
- Blair, Sh. (1986). A Medieval Persian Builder. **The Journal of the Society of Architectural Historians**:389-395.
- Golombek, L. Wilber, D.N. & Allen, T. (1988). **The Timurid Architecture of Iran and Turan**, Vol. 1: Princeton University Press New Jersey.
- Harper, D. R. (2014). Online etymology dictionary, D. Harper 2001 [cited 10 August 2014]. Available from www.etymonline.com.
- Mayer, L. A. (1956). **Islamic architects and their works**, Genève: A. Kundig.
- Mayer, M. (1978). **The builders : houses, people, neighborhoods, governments, money**, 1st ed. New York: Norton.
- Merriam-Webster, Inc .(2005). Merriam-Webster unabridged , Available from <http://unabridged.merriam-webster.com>.
- O’Kane, B. (1982). **Timurid architecture in Khurasan**.
- Wilber, D. N. (1954). **Builders and craftsmen of Islamic Iran**, Archaeology:37-41.
- Wilber, D. N. (1976). Builders and craftsmen of Islamic Van: The earlier periods, **Art and Archaeology Research Papers**, 10. 31-39.
- Wulff, H. E. (1966). **The traditional crafts of Persia; their development, technology, and influence on Eastern and Western civilizations**, Cambridge: M.I.T. Press.